

سپیده دم تمدن در فلات ایران

غلامحسین صدیقی افشار

دو چیز را عامل اصلی شکوفایی تمدن بشری دانسته‌اند؛ آب و اعتدال هوا. از این دو که بگذریم، می‌توان از کوهستان هم مانند عاملی یاری‌دهنده یاد کرد. فلات ایران در گذشته‌ای دور از منابع آب بسیار زیادی برخوردار بوده است. زمین‌شناسان به ما می‌گویند:

۱- دریایی درجای کویر کنونی وجود داشته است.

۲- دریاچه‌های وان و ارومیه به یکدیگر پیوسته بود.

۳- سطح آب دریای خزر خیلی بالاتر بود و بخش بزرگی از کرانه‌های امروزی را می‌پوشاند.

۴- خلیج فارس پیشرفت زیادی در خشکی کرده بود.

بعدها بر اثر حوادث زمین‌شناسی و تغییرات اقلیمی دریای مرکزی خشکید، در خلیج فارس و دریای خزر رفته رفته آب عقب نشست، و دریاچه‌های وان و رضائیه به صورت کنونی خود درآمدند. اما تاعزازه‌های اخیر و دوره‌های تاریخی هم هنوز تالابها، آبگیرها و مرداب‌های زیادی در کرانه‌های این دریاچه‌ها و خلیج فارس وجود داشت و تاریخ نویسان از خشک شدن دریاچه ساوه در پایان دوره ساسانی و پیدایش اسلام یاد می‌کنند. همچنین، از تاریخ‌ها در می‌یابیم که سیستان در گذشته بسیار آباد و دارای شهرهایی بوده که امروز در زیر ریزک روان پنهان شده‌اند، و مسافران کویر گاهگاه به آثار جنگل‌های نابود شده در این نواحی بر می‌خورند.

آب، برای موجوداتی که در کنار آن زندگی می‌کردند، منبع خیر و برکت بود. با عقب نشینی دریاها و دریاچه‌ها، مردمی که در کوه‌ها و غارها می‌زیستند، ناچار شدند پناهگاه‌های دیرین خود را ترک گویند و به دامنه‌ها و دشت‌ها فرود آیند و برای خودشان سرپناه‌های مصنوعی بسازند. بادیدن دانه‌هایی که در خاک گرم و نمناک دشت‌ها می‌رست، نخستین تجربه‌های خود را در کشاورزی به دست آوردند. ساختن پناهگاه و کار کشاورزی آنان را به سکونت در یکجا و ساختن جایگاه‌هایی بهتر و استوارتر واداشت. جستجوی وسایلی برای نگهداشتن آب و مواد غذایی موجب پیدایش سفالگری شد؛ و در دسترس

نبودن سنگ به مقدار کافی خشت مالی و سپس آجر سازی را پدید آورد. رشته کوههایی که در هر سوی فلات ایران کشیده شده دارای منابع سرشار فلزات بود. مردمان شش هزار سال پیش فلات ایران از خاصیت شکل پذیری و چکش خواری فلزات آگاه شدند و نخست در پایان هزاره پنجم پیش از میلاد استفاده از مس آغاز شد، که از آن تبر، بیل، زوبین، و اشیای زینتی می ساختند؛ سپس، در پایان هزاره سوم، عصر مفرغ آغاز شد؛ و هزار سال بعد ایرانیان با آهن، طلا، نقره، و زمرد آشنایی یافتند. ساکنان فلات ایران را نخستین فلزکاران جهان دانسته اند. ارزش کار آنان وقتی بهتر معلوم می شود که اهمیت فلز را در زندگی بشر و گسترش تمدن در نظر آوریم.

پیدایش شهر و دولت

از حدود شش هزار سال پیش نخستین خانه های روستایی در فلات ایران پدیدار شد و در طول هزار سال روستاهای کوچک و بزرگی بنیان گرفت، که باستان شناسان بازمانده های برخی از آن ها را از دل خاک بدر آورده اند.

در هزاره سوم پیش از میلاد برخی از این روستاها گسترش یافتند و به صورت شهری درآمدند و برخی شهرهای تازه ساخته شد، و نخستین گامها برای پیدایش دولت های کوچک محلی به نتیجه رسید.

در این هنگام ساکنان بسیاری از نقاط ایران دارای خانه هایی بودند با کشتزارها و چارباغیانی. آنان برخی ابزارهای خانگی و کشاورزی داشتند. از نیرو با نیازهای تازه ای روبرو می شدند: نیاز به خدایی که روزی و تندرستی و شادکامی ارزانی شان دارد و شاهی که نگهدارنده خانه و رعمه و کشتزار و شهرستان باشد. بدینسان اندیشه دین و دولت در آنان پدید می آمد و ریش سفیدان جای خود را به کاهنان پرستشگاهها می دادند، که بسا هنگام هم رهبر دین بودند و هم رئیس قوم.

پرستشگاهها، به خاطر امنیتی که از حرمتشان سرچشمه می گرفت و هم به سبب نذرها که به آستانشان می شد، رونق می گرفتند، توانگر می شدند، گسترش می یافتند و خود بازرگانی را رونق می بخشیدند. با روی آوردن مردم به پرستشگاهها و تمرکز داد و ستد در پیرامون آنها، شهرها پدید می آمدند، بزرگتر می شدند و به دولت های شهری رونق و نیرو می بخشیدند. گاه یکی از این دولت های شهری نیرو و همت آن را می یافت که به شهرهای همسایه بتازد، آنان را زیر دست و خراجگزار خود سازد و سلطنتی بنیان نهد.

در فلات ایران پیدایش و گسترش روستاها، شهرها، دولت های شهری، اتحادیه ها، و سپس پادشاهی های بزرگ را می بینیم، که در اینجا به برخی از آنها اشاره خواهیم کرد.

پیشتر باید بگوییم کهن‌ترین آثار زندگی انسان در ایران در برخی غارها از حدود هفتاد و پنج هزار سال پیش به دست آمده است. این مردم را از نژاد آسیائی می‌دانند، که نه آریایی و نه سامی بوده‌اند، و قبیله‌های گوناگون آنان در نقاط مختلف ایران می‌زیستند:

- ۱- عیلامیان در خوزستان و فارس، که از هزاره سوم تا اول پیش از میلاد دولت نیرومندی پدید آوردند.

- ۲- لولوبیان در لرستان، که در کتیبه‌های آشوری از آنان یاد شده و برخی نقشه‌ایشان برجای است.

- ۳- گوتیان در کردستان، که در کتیبه‌های آشوری از آنان یاد شده و آثارشان به دست آمده است. آنان در سده بیست و دوم پیش از میلاد بر بین‌النهرین تاختند و مدتی در آنجا فرمان راندند.

- ۴- مانناییان در آذربایجان، که بعدها با مهاجران آریایی درآمیختند و دولت نیرومندی پدید آوردند.

- ۵- کاسیان یا کاشیان که نام خود را به قزوین، کاشان، کارکاسی و جاهای دیگر داده‌اند، در دشت‌های ایران. البته بسیاری از محققان کاسیان را آریایی می‌دانند. اینان در سده هیجده پیش از میلاد به بابل تاختند و پنج قرن در آنجا فرمان راندند.

- ۶- تیوریان در جنوب دریای خزر.

- ۷- قبایلی در شرق ایران که آنان را گاه با عیلامیان، و گاه با دراویدیان هندی از یک گروه دانسته‌اند. به تازگی آثار آنان در شهر سوخته زابل به دست آمده است.

- ۸- ماردتهایی یا آماردها که آثارشان چند سال پیش در تپه مارلیک زودبار قزوین به دست آمد، و گفته می‌شود آمل نام خود را از آنان گرفته است.

- ۹- دولت سیماش در سرزمین بختیاری، که در پایان هزاره سوم پیش از میلاد چندی بر عیلام و بابل دست یافت.

عیلام

برای شناختن سرچشمه‌های تمدن ایران ناگزیر باید عیلام را بشناسیم؛ زیرا مردمی که آن را پدید آوردند و رونق بخشیدند. نه تنها برای جانشینانشان - یعنی آریاییان - بلکه برای ملت‌های بین‌النهرین میراث گرانبهائی به جای نهادند.

برخی عیلامیان را از آسیای میانه دانسته‌اند و کوشیده‌اند ثابت کنند که ساکنان بعدی عیلام در هفت یا هشت هزار سال پیش از آسیای میانه بدینجا آمده‌اند. ولی مدرک‌های باستان‌شناسی مرحله‌های گوناگون پیدایش و تکامل تمدن آنان را در جلگه خوزستان بخوبی نشان می‌دهد.

جلگه خوزستان را، که خود سرزمینی به پهناوری کشور دانمارک است، رودهایی مانند کارون، کرخه و دز آبیاری می‌کند و در جنوب به اروندرود و خلیج فارس می‌رسد. این سرزمین خاکی حاصلخیز و هوایی گرم دارد. بررسی نشان می‌دهد که در گذشته‌های دور آبی فراوانتر و گیاهانی بیشتر داشته است، در نيزارهای انبوهش شیر، گرگ، گراز، گربه وحشی و گوزن فراوان بوده و در آبهای انواع ماهی‌ها، لاک‌پشت‌ها و مرغان ماهیخوار.

آثار زندگی در این جلگه به هزاره هشتم پیش از میلاد، یعنی به ۹ تا ۱۰ هزار سال پیش، می‌رسد. شهر شوش، که زمانی پایتخت کشور عیلام بوده، قدمتی هفت هزار ساله دارد. آثار شهرهای دیگر این کشور، مانند ماداکنو، خایدالو، سیماش به دست آمده است. نمونه‌های درخشانی از این تمدن را در کاوش‌های شوش، چغازنبیل، چغامیش، هفت تپه و نقاط دیگر می‌بینیم.

تمدن عیلام یکی از کهنترین تمدن‌های بشر است. از پیدایش شاه و دولت در عیلام سه هزار سال پیش از میلاد، که با پیدایش خط هم همراه است، اطلاعاتی داریم.

خط

باستان‌شناسان به ما می‌گویند که عیلامیان خط تصویری خود را از همسایگان هم-نژادشان سومریان اقتباس کردند و خود آن را تدریجاً تکامل بخشیدند. دلایل ما برای رد یا قبول این اظهار به يك اندازه ضعیف است. تردیدی نیست که عیلامیان با ساکنان ایران مرکزی و شرقی و با سومریان جنوب بین‌النهرین در ارتباط بودند. برخی عقیده دارند این نقش‌های ساده شده سفال‌های فلات ایران بوده که به اندیشه خط نویسی قوت بخشیده است، و برخی به تکامل مستقل خط در عیلام و سومر اعتقاد دارند، که منطقی به نظر می‌رسد.

در ایران باختری از پنج هزار سال پیش به آثار خط و نویسنده‌گی برمی‌خوریم. بومیان ایران این کار را با تجربه بررسی سفالگری آغاز کردند. آنان بر روی ظرفهایشان شکل‌های هندسی، و پس از آن جانوران و انسان را نقش می‌کردند؛ اما کم‌کم در نقاشی‌هایشان به تقلید کورکورانه از واقعیت‌ها قانع نشدند، بلکه کوشیدند تا نقشها را ساده کنند، تا کشیدن آنها آسانتر و منظره‌شان زیباتر باشد.

سفالگران ایران باختری تا جایی که می‌دانیم در ساده کردن نقش‌ها و ساختن نقش‌های نمادی پیشگام بوده‌اند. تصویرهای آنان بر روی سفال هم حکم مهر را داشت. هم برای آرایش به کار می‌رفت، هم دعای نظر قربانی بود، هم نشان تجارتی. رفته رفته لازم شد تا اندازه کالار بر روی آن معلوم کنند و حساب

کالا را نگهدارند، و ما در سفال‌های به دست آمده نمونه‌هایی از این یادداشت‌های حسابداری را می‌بینیم.

در آثاری که از تپه‌سلیک کاشان، زیویه کردستان، مارلیک رودبار و به‌تازگی از شهر سوخته زابل به دست آمده نمونه‌هایی از خط تصویری بکری را می‌بینیم، که هر یک در گوشه‌ای از خالک ایران پدید آمده است.

اما، درست هنگامی که این خط تکامل یافت و از صورت تصویری بیرون آمد، بر اثر ارتباط عیلام با سومر جای خود را به خط پیشرفته‌تر سومری داد. بار دیگر، پس از قرن‌ها، عیلام به یک رستاخیز فرهنگی دست زد و با اقتباس از خط سومری برای خود خطی پدید آورد. اما پس از روی کار آمدن دولت‌های آریایی در باختر ایران خط تازه‌ای که منشأ بین‌النهرین داشت، جای آن را گرفت.

به‌مرحال، ما نمونه‌هایی از خط عیلامی را از نخستین مراحل پیدایش، که کاملاً خصوصیت تصویری دارد، تا مرحله خط تصویری عجایی، و سپس مرحله الفبائی کامل در دست داریم. آثار مربوط به دو مرحله اول کاملاً خوانده نشده و این امر موجب نقص فوق‌العاده معلومات ما درباره این دولت باستانی است، که نزدیک به سه هزار سال مراحل مختلف فراز و فرود را گذرانند. با اینهمه، نباید فراموش کرد، کتیبه‌های عیلامی جدید و آنچه به خط سومری نوشته شده آگاهی‌های زیادی درباره آنان به دست داده است. درباره خط فارسی باستان پس از این سخن خواهیم گفت، تنها یادآوری این مطلب را لازم می‌دانیم که همین دگرگونی‌های پیاپی و بنیادی خط، از عامل‌هایی بوده که سبب گسستگی پی درپی فرهنگی در فلات ایران شده و بر بسیاری از رازهای تاریخ این سرزمین پرده افکنده است. همراه با پیدایش هر دولتی در ایران باستان خط تازه‌ای پدید آمده، و با رواج این خط تازه رفته رفته خط کهن فراموش شده و نوشته‌های آن برای آیندگان نامفهوم گردیده است. این تفاوت خط، نه تنها به دولت‌ها، بلکه به دین‌ها هم مربوط می‌شد، مثلاً مانویان برای خود خطی داشتند، و برای نوشتن اوستا و متن‌های دینی زرتشتی خط دیگری بود که اوستایی نام داشت.

تصویر زندگی در عیلام

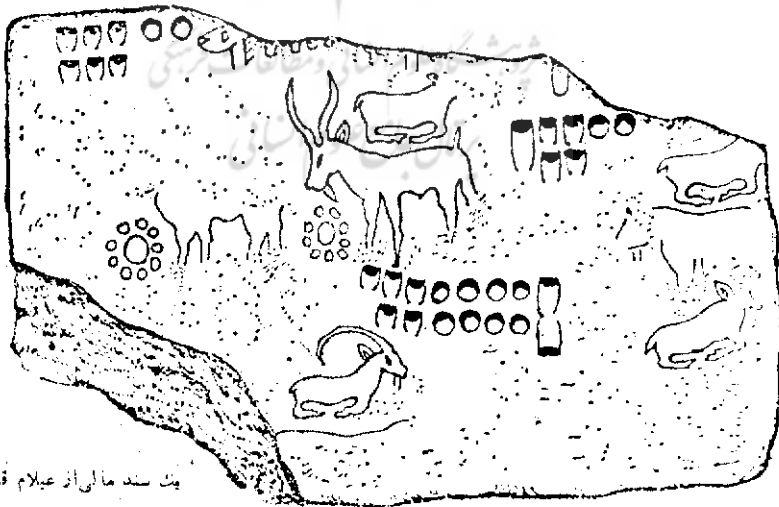
هر قدر خواندن خط عیلامی با دشواری‌هایی روبروست، تصاویر مربوط به زندگی در عیلام فراوان و گویاست. از شکار، ماهیگیری، شخم زدن، سفالگری، نخریسی، دوشیدن شیر، چیدن میوه، حتی همبستری و زایمان تصاویری در دست داریم.

در آثار عیلامی نشانه‌هایی از آخرین مراحل دوران مادرسالاری را می‌بینیم که با آغاز پدرسالاری همراه است. بز کوهی، قوچ، مار، شیر، ماهی، مظاهری از نیروهای خدایی به شمار می‌روند. خدای بزرگ مادینه‌ای است که بانوی کوهستان لقب دارد.

ملکه خواهر پادشاه است و دوست مشفق خوانده می‌شود.
 از روی تصویرها و بقایای آثاری که در معابد عیلامی به دست آمده، پیداست که مردم عیلام به کشت گندم و جو و نگهداری گاو و گوسفند می‌پرداخته‌اند. نقش جامه‌هایی که در نقوش و مجسمه‌ها دیده می‌شود از استادی و ظرافت بسیار حکایت می‌کند.
 مجسمه‌ها و ظرفها و زیورهای فراوانی از طلا، نقره، مفرغ و سفال به دست آمده است که نشان می‌دهد عیلامیان صنعتگران ماهری بودند. در کاوش‌های چغامیش نمونه‌ای از ابزار موسیقی مربوط به هزاره سوم پیش از میلاد به دست آمده است.
 مردم عیلام به فنون آبیاری و آبرسانی توجه داشته‌اند و از سده ۱۳ پیش از میلاد به ایجاد نهرهایی برای استفاده از آب رودخانه و رساندن آب به شهرها، کاخ‌ها و معبدها پرداخته‌اند.

برج بابل

معماری عیلامی شکوه و ویژگی خاصی داشته است. افسانه برج بابل در حقیقت ریشه عیلامی دارد. زیگورات چغازنبیل کوشی برای ساختن جایگاه خدایان بود: بنایی در چهار یا پنج طبقه به ارتفاع بیش از ۵۳ متر. طبقه زیرین دارای هفت دروازه و ۲۸ اطاق بوده و در بالاترین طبقه جایگاه خدایان قرار داشته است. ما نخستین طاق هلالی را در معماری عیلامی می‌بینیم و این یکی از بزرگترین پیشرفت‌های بشر در زمینه ساختن بناهای استوار و پایدار بوده است.



یک سند مالی از عیلام قدیم

میراث عیلام

عیلام در روزگار خویش شکوه و اعتبار خیره کننده‌ای داشته و حتی قرن‌ها بعد هم زبانزد ملت‌های بیگانه بوده است. ما در افسانه بابل گیلگمش - که از کهن‌ترین افسانه‌های نوشته شده بشری است - و در قدیمی‌ترین بخش‌های تورات، به اشاراتی در باب قدرت عیلام برمی‌خوریم.

عیلام نه تنها نخستین تجارب مربوط به خط، سفالگری، فلزکاری، کشاورزی، شهرسازی، و دین و دولت را به مردم فلات ایران عرضه کرد، بلکه وسیله‌ای شد برای مبادله تجارب میان مردم دره پنجاب و بین‌النهرین.

باستان‌شناسان به ما می‌گویند: تعداد بسیاری اسناد قضایی به دست آمده است که اصالت تشکیلات و این که چگونه رؤسای عیلام به یکدیگر بستگی داشته‌اند، و چگونگی ایجاد قوانینی مانند همسایگان خود بابل‌ها را بر ما روشن می‌سازد، چنانکه حتی کمی قبل از حمورابی به فرمان شاهزاده شوشی به نام آدایاکشویک لوح سنگی در میدان بازار پایتخت نصب گردیده و قوانین قضایی بر آن حک شده بود.

در سال ۱۳۱۲ یکی از باستان‌شناسان هیئت فرانسوی به نام رولان دومکنم در میان الواح به دست آمده از شوش به تعدادی متون ریاضی برخورد.

این الواح اطلاعات تازه‌ای در باب شمار، کسور، اطلاعات جبری و هندسی در شوش و بابل در ایام بسیار قدیم می‌دهند.

الواح مذکور مشتمل بر صورت مسائلی چند و طریق حل آن‌ها است، و به نظر می‌رسد که به اصطلاح امروز «کتاب معلم» بوده است. توضیح مسایل اغلب به «طریقه شوشی» است، و گاه پس از آن «طریقه اکدی» می‌آید. از جنبه زمانی محتملاً این الواح از اواخر عهد اولین سلسله پادشاهان بابل بوده است... با توجه به اینکه این مسایل و طرق حل آن‌ها از چند هزار سال پیش است، نمی‌توان از تحسین به فکر کسانی که آن‌ها را طرح و حل کرده‌اند خودداری کرد... در متن شوشی ابتدا یک طریقه راهنما و سپس طریقه علمی می‌آید. اگرچه در طریقه مذکور صحبتی از معادله نیست، می‌توان گفت که حل‌کننده مسئله تصویری از معادله در ذهن داشته است. در پایان باید گفته شود که بعضی از مسایل الواح مورد بحث حاکی از اینست که مساعی ریاضیدانان شوش صرفاً مصروف به مسایل عملی نبوده است بلکه به مسائلی هم که جنبه علمی صرف داشته است، توجه داشته‌اند.

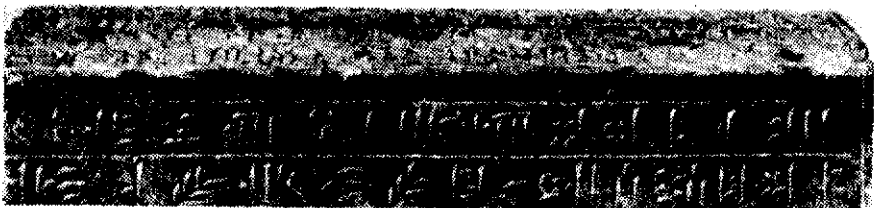
اتحاد و نابودی

عیلام، تقریباً در همه ادوار تاریخی زندگی خویش به صورت يك اتحادیه اداره می‌شد؛ یعنی فرمانروایان نواحی مختلف آن دارای استقلال یا خودمختاری بودند. ظاهراً با پیدا شدن آریاییان در فلات ایران احتمال دارد که آنان هم چندی در این اتحادیه پذیرفته شده‌اند، و این فرصتی بوده برای مبادله تجارب و عناصر فرهنگی. ولی ظاهراً این اتحاد دیری نپایید. آشور بانیهال پادشاه آشور در حدود سال ۴۴۰ پیش از میلاد به عیلام لشکر کشید. نتیجه این لشکر کشی را بهتر است از زبان خود او بشنویم.

« من شهر شوش، شهر بزرگ مقدس، مسکن خدایانشان، مأوی اسرارشان را به خواست آشور و عشتار فتح کردم. وارد کاخهایش شدم و باشادی و بشارت در آنها اقامت گزیدم. در گنجهایش را گشودم، که در آنها طلا و نقره، خواسته و مال فراوان بود، آنچه را که شاهان پیشین تا شاه کنونی عیلام در آنها گرد آورده بودند و تا بحال هیچ دشمنی جز من بر آنها دست نیافته بود، به منزلت غنیمت در تملک گرفتم...»

من زیگورات شوش را از آجرهایی که لعاب لاجوردین داشت و زینت‌هایی را که از مس صیقلی بود، ویران کردم... خدایان، زینت آلاتشان، ثروتشان، اثاثشان و کاهنانشان را به عنوان غنیمت به آشور آوردم. سی و دو مجسمه را که از طلا و نقره و مس ریخته و با مرمر تراشیده بودند به آشور آوردم... من دختران شاهان، زنان شاهان، تمام خانواده شاهان قدیم و جدید عیلام، شهربانان و کدخدایان، استادکاران... چهارپایان بزرگ و کوچک را که تعدادشان از ملخ بیشتر بود، به آشور فرستادم.»

اما دیری نپایید که در همین خطه دولت کوچک هخامنشی تأسیس شد و در طول زندگی پنج نسل خود را به شاهنشاهی کورش داد. مدارک باستان‌شناسی و کتیبه‌های



هخامنشی نشان می‌دهد که در آن زمان هنوز عیلامیان به عنوان يك گروه نژادی وجود داشته‌اند، چون برخی کتیبه‌ها به آن زبان نوشته می‌شد، و در کتیبه‌ای که بوجیه پرستش خدایان عیلامی را ممنوع می‌کند و از ویران کردن معبد‌های آنان خبر می‌دهد.

نتیجه

با نگاهی به گذشته ایران، از روی کشف‌ها و پژوهش‌های باستان‌شناسی می‌بینیم که بومیان ایران در حدود ده هزار سال پیش در غارها زندگی می‌کردند؛ در هفت هزار سال پیش نخستین پناهگاه‌ها و خانه‌های خود را در دشت‌ها ساختند و کار کشاورزی را آغاز کردند؛ از آن‌پس در طول هزاره‌های بعدی به فنون مختلف سفال‌سازی، سنگ‌تراشی، فلزکاری، بافندگی، جواهرسازی، و نوشتن دست یافتند؛ شهرها و پرستشگاه‌ها بنیاد کردند؛ دولت‌های شهری، و سپس دولت‌های بزرگ پدید آوردند؛ بازرگانی خود را به بین‌النهرین و هند گسترش دادند و زمینه را برای پیدایش شاهنشاهی‌های بزرگ ماد و پارس فراهم ساختند.

توضیحات

در باره عیلام کتاب‌هایی به زبان‌های اروپایی نوشته شده است، با اینهمه، هنوز نکته‌های تاریک فراوانی وجود دارد که با خواننده شدن کتیبه‌ها و پیگیری کشف‌های باستان‌شناسی باید حل شود. تنها کتاب مستقل درباره عیلام به زبان فارسی عبارتست از تاریخ عیلام، از پیر آمیه، ترجمه شیرین بیانی، از انتشارات دانشگاه تهران. امادرباره آثار عیلامی در کتاب‌های زیادی بحث شده که یکی از بهترین آنها دیار شهرباران، از احمد اقتداری، از انتشارات انجمن آثار ملی است.

گاه‌شناسی ایران پیش از دولت ماد

۷۵۰۰۰ سال پیش. انسان‌های پیش از تاریخ از نوع انسان نئاندرتال در غار کمر بند و غار هوتو نزدیک به شهر مازندران.

۱۰۰۰۰۰ سال پیش. آثار دوران میان‌سنگی در غار کمر بند.

۷۰۰۰ تا ۶۰۰۰ سال پیش. آثار دوران نوسنگی در غارهای کمر بند و هوتو، تپه سبک کاشان، تپه حصار دامغان، نقاط مختلف خوزستان، فارس، آذربایجان. پیدایش کشاورزی، ساختن خانه‌های روستایی، سفالگری.

۴۰۰۰ تا ۳۲۰۰ سال پیش. دوران مس و مفرغ و پیدایش خط، آغاز فلزکاری.

تشکیل دولت عیلام، مهاجرت اقوام هند و ایرانی به آسیای مرکزی.

۳۲۰۰ تا ۲۸۰۰ سال پیش. دوران آهن، آمدن آریاییان به ایران. ظهور زرتشت

و آوردن اوستا.